

مدخل علم فقه

ادوار، منابع، مفاهیم، کتابها و رجال

فقه مذاهب اسلامی

رضا اسلامی

اسلامی، رضا، ۱۳۴۲

مدخل علم فقه

(ادوار، منابع، مفاهیم کتابها و رجال فقه مذاهب اسلامی)

رضا اسلامی - قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۳۸۴.

۶۰۸ صفحه.

ISBN: 966-6918-73-5

۲۵۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه.

نمایه.

۱. اصول فقه. الف. حوزه علمیه قم. مرکز مدیریت.

ب. عنوان.

۲۹۷/۳۱

۴م ۵الف / ۱۵۵ BP

۱۱۵۶۶ - ۸۴م

کتابخانه ملی ایران

اثر برگزیده کنگره دین پژوهان در سال ۱۳۸۳

مدخل علم فقه

ادوار، منابع، مفاهیم، کتابها
و رجال فقه مذاهب اسلامی

رضا اسلامی

• • •

دفتر برنامه ریزی و تدوین متون درسی حوزه

ناشر: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

تنظیم و صفحه آرایی: خدمات پژوهشی میهن

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: زیتون

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال

• • •

همه حقوق محفوظ است

تلفن فاکس: ۳۹۱۱۴۶۵ - ۳۹۱۳۵۱۰

پیشگفتار

مباحث هر گرایش و رشته علمی را براساس یک تقسیم می‌توان به دو بخش مباحث درون علمی و برون علمی تقسیم کرد. آشنایی جوینده علم با هر یک از دو بخش مذکور می‌تواند چشم‌انداز روشنی پیش روی او قرار دهد تا با نگاهی عمیق و جامع مطلوب خود را پی‌جویی کند. در خصوص علم فقه نیز آشنایی با موضوعاتی مانند: منابع فقهی، ابواب فقه و تقسیمات آن، سیر تطور آرا و اندیشه‌های فقهی، ادوار تاریخی و اعلام و آثار هر دوره، اجتهاد و گونه‌های آن، مذاهب فقهی و ویژگی‌های هر یک از آنها و بالاخره فراز و فرود فقه شیعی، به عنوان بخشی از مباحث برون علمی مرتبط با حوزه فقه و حقوق می‌تواند در ژرف‌اندیشی و دستیابی به میوه‌های شیرین شاخساران بلند فقه و فقاہت نقشی در خور ایفا کند. نوری که چنین مباحثی بر فضاهاى دوردست این علم می‌تاباند با مباحث محتوایی علم فقه و همچنین با علم اصول که منطق درک اجتهادی فقه بوده و قواعد کلی استنباط را تبیین و تشریح می‌کند متفاوت است. با توجه به اینکه کتب فقهی معمول درسی در حوزه‌های علمیه بطور متعارف به این مباحث نمی‌پردازند و با توجه به نیاز علمی موجود در این زمینه، به نظر می‌رسد نگارش مجموعه‌ای با عنوان «مدخل علم فقه» که بتواند مباحث فوق‌الذکر را در قالبی منظم و سازوار دسته‌بندی و با نگاهی روشمند و علمی تنظیم و به عنوان مباحث «پیش‌نیاز» و درآمدی بر آموزش فقه در اختیار جامعه

علمی، طلاب علوم حوزوی و دانشجویان رشته‌های فقه و مبانی و حقوق اسلامی قرار دهد، قدمی شایسته در جهت آشنایی علاقه‌مندان با این مباحث خواهد بود. تا با گسترش اطلاعات عرضی در کنار تعمق و تحقیق در متن و مسائل فقه جعفری، نگرشی همه‌جانبه نسبت به این رشته ارزشمند علمی ایجاد کند.

با سپاس از درگاه حضرت احدیت، این توفیق برای دفتر برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی حوزه‌علمیه و مؤلف ارجمند جناب حجت‌الاسلام والمسلمین رضا اسلامی حاصل آمد. مجموعه‌ای که در پیش رو دارید محصول تلاش و کوشش جدی و پی‌گیر ایشان است. این اثر با قلمی شیوا و به دور از پیچیدگی‌های ادبی و نگارشی و با حفظ ادبیات علمی لازم در نگارش آثار فقهی تنظیم و ارائه شده است. لازم به ذکر است که این اثر در سال ۸۳ از سوی دبیرخانه محترم دین‌پژوهان به عنوان اثر برگزیده سال انتخاب و معرفی شده است. این کتاب به گونه‌ای تنظیم شده است که می‌تواند به عنوان متن درسی در حوزه‌های علمیه و همچنین در رشته‌های مرتبط دانشگاهی تدریس گردد. در پایان با تقدیر و تشکر از نگارنده محترم و از همه دست‌اندرکارانی که این دفتر را در تهیه و انتشار این اثر یاری نمودند، برای همه این عزیزان توفیق روزافزون آرزو مندیم.

امید است ارباب قلم و اهل تحقیق از نقد علمی و بیان نظرگاه‌های خود درباره محتوای کتاب دریغ نمایند و این دفتر مشتاقانه منتظر دریافت نظرات علمی فضایی گرانقدر، فرهیختگان و اندیشمندان ارجمند بوده و بهره‌گیری از آنها را موجب اتقان و ارتقای سطح علمی اثر حاضر می‌داند.

مرکز مدیریت حوزه علمیه

دفتر برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی

فهرست مطالب

مقدمه: فقه و ضرورت مدخل‌نگاری

۲۳ - ۳۷

۲۸	 شکل مطلوب برای مدخل فقه شیعه
۳۴	 خصوصیات این اثر
۳۹	 درس اول: شاخه‌های معارف اسلامی
۳۹	 تقسیم ثلاثی معارف اسلامی
۳۹	 رابطه فقه با اخلاق و اعتقادات
۴۰	 شواهدی بر تقسیم ثلاثی مذکور
۴۱	 نکات مهم درس

فصل اول: آشنایی با دانش فقه

۴۳ - ۷۸

۴۵	 درس دوم: فقه در لغت و اصطلاح
۴۶	 تعریف علم فقه
۴۸	 نکات مهم درس
۴۹	 درس سوم: اجتهاد در لغت و اصطلاح
۵۰	 نکات مهم درس
۵۱	 درس چهارم: اجتهاد مذموم
۵۳	 تألیفات اصحاب در بطلان اجتهاد
۵۴	 نکات مهم درس
۵۵	 درس پنجم: اجتهاد ممدوح
۵۷	 نکات مهم درس
۵۹	 درس ششم: مقدمات اجتهاد
۵۹	 دیدگاه فقه‌های شیعه

۶۰	بررسی دیدگاهها.....
۶۲	اعتبار قوه قدسیه.....
۶۳	پندی از علامه شعرانی.....
۶۵	دیدگاه اهل سنت.....
۶۵	نکات مهم درس.....
۶۷	درس هفتم: تجزی در اجتهاد.....
۶۹	نکات مهم درس.....
۷۱	درس هشتم: تخطئه و تصویب (۱).....
۷۱	خاستگاه قول به تصویب.....
۷۲	اقسام تصویب.....
۷۳	نظریه تخطئه و مبنای آن.....
۷۳	نکات مهم درس.....
۷۵	درس نهم: تخطئه و تصویب (۲).....
۷۵	ادله کمال شریعت.....
۷۷	قاعده اشتراک.....
۷۸	نکات مهم درس.....

فصل دوم: منابع چهارگانه فقه

۷۹ - ۱۷۳

۸۱	درس دهم: قرآن (۱).....
۸۱	تعریف قرآن.....
۸۱	معارف قرآن.....
۸۱	مرجعیت قرآن برای شناخت دین و شریعت.....
۸۲	حجیت قرآن موجود.....
۸۳	شبهه تحریف قرآن.....
۸۴	نکات مهم درس.....
۸۵	درس یازدهم: قرآن (۲).....
۸۵	حجیت قرآن نزد فقیهان.....
۸۵	ادله تحریف نزد اخباریان.....

۸۶	مسأله اختلاف قرائت‌ها.....
۸۷	نکات مهم درس.....
۸۹	درس دوازدهم: قرآن (۳).....
۸۹	حجیت ظواهر قرآن.....
۸۹	ادله اخباریان.....
۹۰	ادله اصولیان.....
۹۲	نکات مهم درس.....
۹۳	درس سیزدهم: قرآن (۴).....
۹۳	رابطه کتاب و سنت.....
۹۴	محکم و متشابه در قرآن.....
۹۵	نکات مهم درس.....
۹۷	درس چهاردهم: قرآن (۵).....
۹۷	مسأله نسخ.....
۹۹	شناخت آیات الاحکام.....
۱۰۰	نکات مهم درس.....
۱۰۱	درس پانزدهم: قرآن (۶).....
۱۰۱	تالیفات شیعه درباره آیات الاحکام.....
۱۰۱	تالیفات اهل سنت درباره آیات الاحکام.....
۱۰۴	نکات مهم درس.....
۱۰۵	درس شانزدهم: سنت (۱).....
۱۰۵	تعریف سنت.....
۱۰۵	حجیت سنت نبوی.....
۱۰۷	انکار حجیت سنت.....
۱۰۸	نکات مهم درس.....
۱۰۹	درس هفدهم: سنت (۲).....
۱۰۹	حجیت سنت اهل بیت (ع).....
۱۱۰	تفسیر و تقریر حجیت سنت اهل بیت (ع).....
۱۱۲	نکات مهم درس.....

۱۱۳	درس هیجدهم: سنت (۳)
۱۱۳	دایره حجیت سنت
۱۱۵	نکات مهم درس
۱۱۷	درس نوزدهم: سنت (۴)
۱۱۷	سنت صحابی
۱۱۷	ادله حجیت سنت صحابی
۱۲۰	نکات مهم درس
۱۲۱	درس بیستم: سنت (۵)
۱۲۱	دلالت سنت
۱۲۱	دلالت قول معصوم
۱۲۲	دلالت فعل معصوم
۱۲۳	دلالت تقریر معصوم
۱۲۳	نکات مهم درس
۱۲۵	درس بیست و یکم: سنت (۶)
۱۲۵	راههای اثبات سنت
۱۲۶	اقسام خبر
۱۲۶	خبر متواتر
۱۲۶	اقسام تواتر
۱۲۷	خبر واحد
۱۲۷	خبر واحد ثقه
۱۲۷	نکات مهم درس
۱۲۹	درس بیست و دوم: سنت (۷)
۱۲۹	ادله حجیت خبر ثقه
۱۳۰	خبر واحد غیر ثقه
۱۳۰	راههای دیگر اثبات سنت
۱۳۱	نکات مهم درس
۱۳۳	درس بیست و سوم: سنت (۸)
۱۳۳	کتابت و تدوین حدیث نزد اهل سنت
۱۳۶	تدوین صحاح سته
۱۳۷	تدوین جوامع روایی
۱۳۸	نکات مهم درس

۱۳۹	درس بیست و چهارم: سنت (۹).....
۱۳۹	کتابت و تدوین حدیث نزد شیعه.....
۱۴۱	تدوین کتب اربعه.....
۱۴۲	تدوین جوامع روایی.....
۱۴۴	نکات مهم درس.....
۱۴۷	درس بیست و پنجم: اجماع (۱).....
۱۴۷	تعریف اجماع.....
۱۴۸	اعتبار اجماع به عنوان یکی از منابع فقه و اجتهاد.....
۱۴۹	ادله حجیت اجماع نزد اهل سنت.....
۱۴۹	ادله حجیت از قرآن.....
۱۵۰	نکات مهم درس.....
۱۵۱	درس بیست و ششم: اجماع (۲).....
۱۵۱	ادله حجیت از سنت.....
۱۵۳	دلیل عقلی بر حجیت اجماع.....
۱۵۴	نکات مهم درس.....
۱۵۵	درس بیست و هفتم: اجماع (۳).....
۱۵۵	حجیت اجماع نزد شیعه.....
۱۵۶	اقسام اجماع به اعتبار نحوه کاشفیت.....
۱۵۸	اقسام اجماع به اعتبار طریق دستیابی.....
۱۵۹	نکات مهم درس.....
۱۶۱	درس بیست و هشتم: عقل (۱).....
۱۶۱	منزلت عقل در قرآن.....
۱۶۳	منزلت عقل در روایات.....
۱۶۴	طرح دلیل عقلی به عنوان یکی از منابع فقه.....
۱۶۶	نکات مهم درس.....
۱۶۷	درس بیست و نهم: عقل (۲).....
۱۶۷	تعریف دلیل عقل.....
۱۶۷	چند نکته در بیان مقصود از دلیل عقل.....

۱۷۱	انکار حجیت عقل
۱۷۲	نکات مهم درس

فصل سوم: منابع فرعی فقه نزد اهل سنت

۱۷۳ - ۲۰۶

۱۷۵	درس سی‌ام: قیاس (۱)
۱۷۵	تعریف قیاس
۱۷۵	تفاوت قیاس و تمثیل
۱۷۵	اقسام قیاس و حجیت آن
۱۷۷	طرح قیاس به عنوان یکی از ادله شرع
۱۷۸	ادله بطلان قیاس نزد شیعه
۱۷۹	نکات مهم درس

۱۸۱	درس سی و یکم: قیاس (۲)
۱۸۱	ادله حجیت قیاس نزد اهل سنت
۱۸۴	نکات مهم درس

۱۸۵	درس سی و دوم: استحسان
۱۸۵	تعریف استحسان
۱۸۵	اقسام استحسان
۱۸۶	طرح استحسان به عنوان یکی از ادله
۱۸۶	اعتبار استحسان نزد مذاهب اهل سنت
۱۸۷	ادله حجیت استحسان
۱۸۸	نکات مهم درس

۱۸۹	درس سی و سوم: استصلاح (۱)
۱۸۹	تعریف استصلاح
۱۹۱	موارد رجوع به استصلاح
۱۹۱	طرح استصلاح به عنوان یکی از ادله
۱۹۲	نکات مهم درس

۱۹۳	درس سی و چهارم: استصلاح (۲)
۱۹۳	اعتبار استصلاح نزد مذاهب اهل سنت

۱۹۴	استصلاح از دیدگاه شیعه.....
۱۹۵	ادله حجیت استصلاح.....
۱۹۷	نکات مهم درس.....
۱۹۹	درس سی و پنجم: عرف.....
۱۹۹	تعریف عرف.....
۱۹۹	تقسیمات عرف.....
۲۰۰	حجیت عرف نزد مذاهب اسلامی.....
۲۰۱	ادله حجیت عرف.....
۲۰۲	نکات مهم درس.....
۲۰۳	درس سی و هشتم: شریعت سلف و مذهب صحابی.....
۲۰۳	شریعت سلف.....
۲۰۴	مذهب صحابی یا قول صحابی.....
۲۰۵	نکات مهم درس.....

فصل چهارم: ابواب فقه شیعه و مباحث آن

۲۵۴ - ۲۰۷

۲۰۹	درس سی و هفتم: ابواب فقه شیعه و مباحث آن.....
۲۰۹	تنوع مسائل فقه.....
۲۱۰	تبویب فقه به شیوه مشهور و موروث.....
۲۱۲	نکات مهم درس.....
۲۱۵	درس سی و هشتم: ابواب فقه شیعه (۱).....
۲۱۵	تفصیل کتاب‌های بخش عبادات.....
۲۱۷	تفصیل کتاب‌های بخش عقود.....
۲۱۸	نکات مهم درس.....
۲۲۱	درس سی و نهم: ابواب فقه شیعه (۲).....
۲۲۴	نکات مهم درس.....
۲۲۵	درس چهلم: ابواب فقه شیعه (۳).....
۲۲۵	تفصیل کتاب‌های بخش ایقاعات.....
۲۲۷	تفصیل کتاب‌های بخش احکام.....
۲۲۹	نکات مهم درس.....

۲۳۱	درس چهل و یکم: تقسیم‌بندی مباحث فقه (۱)
۲۳۱	اشکالات تقسیم‌بندی مباحث فقه در «شرائع الاسلام»
۲۳۳	تبویب فقه به شیوه‌های دیگر
۲۳۳	الف) تبویب فقه پیش از محقق حلی
۲۳۵	نکات مهم درس

۲۳۷	درس چهل و دوم: تقسیم‌بندی مباحث فقه (۲)
۲۳۷	ب) تبویب فقه پس از محقق حلی
۲۳۹	ج) تبویب فقه نزد فیض کاشانی
۲۴۰	د) تبویب فقه نزد شهید صدر
۲۴۱	نکات مهم درس

۲۴۳	درس چهل و سوم: تقسیم‌بندی مباحث فقه (۳)
۲۴۳	ه) تبویب فقه در رساله‌های فارسی
۲۴۵	و) تبویب فقه مطابق شاخه‌های علم حقوق
۲۴۵	تجربه تقنین فقه
۲۴۶	نکات مهم درس

۲۴۹	درس چهل و چهارم: تقنین فقه
۲۴۹	نظام‌های حقوقی
۲۴۹	شاخه‌های علم حقوق
۲۵۳	نکات مهم درس

فصل پنجم: ادوار فقه امامیه

۲۵۵ - ۴۱۶

۲۵۷	درس چهل و پنجم: ادوار فقه امامیه
۲۵۷	ملاک ادوار
۲۵۸	دوره‌های دهگانه فقه شیعه
۲۶۱	نکات مهم درس

۲۶۳	درس چهل و ششم: دوره اول: دوره تشریع (۱)
۲۶۳	اجتهاد پیامبر
۲۶۳	اقوال در مسئله

۲۶۵		تحریر محل نزاع
۲۶۵		ادله قائلان به اجتهاد پیامبر
۲۶۷		نکات مهم درس
۲۶۹		درس چهل و هفتم: دوره اول: دوره تشریع (۲)
۲۶۹		اجتهادهای صحابه در زمان رسول خدا (ص)
۲۷۱		خصوصیات دوره اول
۲۷۱		نکات مهم درس
۲۷۳		درس چهل و هشتم: دوره دوم: تفسیر و تبیین شریعت (۱)
۲۷۶		نکات مهم درس
۲۷۷		درس چهل و نهم: دوره دوم: تفسیر و تبیین شریعت (۲)
۲۷۷		اختلاف گرایش های اصحاب در دوره دوم
۲۸۰		خصوصیات دوره دوم
۲۸۰		مراکز علمی فعال در این دوره
۲۸۱		نکات مهم درس
۲۸۳		درس پنجاهم: دوره سوم: شکوفایی اجتهاد و قانونمندی فقه (۱)
۲۸۶		نکات مهم درس
۲۸۷		درس پنجاه و یکم: دوره سوم: شکوفایی اجتهاد و قانونمندی فقه (۲)
۲۸۷		معرفی اجمالی برخی فقیهان دوره سوم
۲۹۱		خصوصیات دوره سوم
۲۹۱		مراکز علمی فعال در دوره سوم
۲۹۲		نکات مهم درس
۲۹۳		درس پنجاه و دوم: دوره چهارم: کمال اجتهاد
۲۹۳		زندگی و آثار شیخ طوسی
۲۹۶		دیگر فقیهان دوره چهارم
۲۹۷		خصوصیات دوره چهارم
۲۹۷		نکات مهم درس
۲۹۹		درس پنجاه و سوم: دوره پنجم: رکود دانش فقه
۳۰۰		توصیف این دوره

۳۰۰	علل و اسباب رکود.....
۳۰۲	فقیهان دوره پنجم.....
۳۰۴	خصوصیات دوره پنجم.....
۳۰۴	نکات مهم درس.....
۳۰۵	درس پنجاه و چهارم: دوره ششم: نهضت مجدد مجتهدان (۱).....
۳۰۶	نگاهی به شخصیت علمی ابن ادریس.....
۳۰۸	نکات مهم درس.....
۳۰۹	درس پنجاه و پنجم: دوره ششم: نهضت مجدد مجتهدان (۲).....
۳۰۹	معرفی اجمالی برخی فقیهان دوره ششم.....
۳۱۳	نکات مهم درس.....
۳۱۵	درس پنجاه و ششم: دوره ششم: نهضت مجدد مجتهدان (۳).....
۳۱۵	ادامه معرفی فقیهان دوره ششم.....
۳۱۸	خصوصیات دوره ششم.....
۳۲۰	مراکز علمی فعال در دوره ششم.....
۳۲۰	نکات مهم درس.....
۳۲۳	درس پنجاه و هفتم: دوره هفتم: استیلای اخباریان (۱).....
۳۲۴	منشأ پیدایش اخباری‌گری.....
۳۲۷	نکات مهم درس.....
۳۲۹	درس پنجاه و هشتم: دوره هفتم: استیلای اخباریان (۲).....
۳۲۹	ارزیابی نظریات هفتگانه گذشته درباره منشأ پیدایش اخباری‌گری.....
۳۳۱	دیدگاه شهید صدر.....
۳۳۴	نکات مهم درس.....
۳۳۵	درس پنجاه و نهم: دوره هفتم: استیلای اخباریان (۳).....
۳۳۵	شخصیت محمد امین استرآبادی.....
۳۳۶	تفاوت‌های اصولیان و اخباریان.....
۳۳۸	نمونه‌هایی از جمود اخباریان.....
۳۳۹	دیگر اخباریان تندرو.....
۳۴۰	تداوم اخباری‌گری.....
۳۴۱	نکات مهم درس.....

۳۴۳	درس شصتم: دوره هفتم: استیلای اخباریان (۴).....
۳۴۳	اخباریان میانه‌رو.....
۳۴۵	مجتهدان دوره هفتم.....
۳۴۶	خصوصیات دوره هفتم.....
۳۴۷	مراکز علمی فعال در دوره هفتم.....
۳۴۸	نکات مهم درس.....
۳۴۹	درس شصت و یکم: دوره هشتم: عصر اعتدال و تکامل اجتهاد (۱).....
۳۴۹	عوامل استیلای مجدد مجتهدان.....
۳۵۱	دیدگاه شهید صدر.....
۳۵۲	نگاهی به زندگی وحید بهبهانی.....
۳۵۳	نکات مهم درس.....
۳۵۵	درس شصت و دوم: دوره هشتم: عصر اعتدال و تکامل اجتهاد (۲).....
۳۵۵	معرفی اجمالی برخی فقیهان دوره هشتم.....
۳۵۸	خصوصیات دوره هشتم.....
۳۵۹	مراکز فعال در دوره هشتم.....
۳۵۹	نکات مهم درس.....
۳۶۱	درس شصت و سوم: دوره نهم: تعمیق و توسعه مباحث و اوج‌گیری اجتهاد (۱).....
۳۶۱	نگاهی به حیات علمی شیخ انصاری.....
۳۶۵	معرفی اجمالی برخی فقیهان دوره نهم.....
۳۶۷	نکات مهم درس.....
۳۶۹	درس شصت و چهارم: دوره نهم: تعمیق و توسعه مباحث و اوج‌گیری اجتهاد (۲).....
۳۶۹	ادامه معرفی فقیهان دوره نهم.....
۳۷۲	خصوصیات دوره نهم.....
۳۷۳	مراکز فعال دوره نهم.....
۳۷۴	نکات مهم درس.....
۳۷۵	درس شصت و پنجم: دوره دهم: عصر تجربه عملی ساختن فقه یا عصر حاکمیت فقه (۱).....
۳۷۶	حیات علمی امام خمینی.....
۳۷۷	دیدگاه‌های امام خمینی.....
۳۸۴	نکات مهم درس.....

درس شصت و ششم: دوره دهم: عصر تجربه عملی ساختن فقه یا عصر حاکمیت فقه (۲).....	۳۸۵
دیدگاه‌های دیگر در تفسیر نقش زمان و مکان در اجتهاد.....	۳۸۵
خصوصیات دوره دهم.....	۳۹۰
مراکز علمی فعال در دوره دهم.....	۳۹۱
دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب در باره بایسته‌های حوزه و فقه.....	۳۹۲
نکات مهم درس.....	۳۹۹

درس شصت و هفتم: نتایج و شیوه‌های ادوار نگاری فقه (۱).....	۴۰۱
نتایج بررسی ادوار فقه از دیدگاه شهید مطهری.....	۴۰۱
شیوه‌های دیگر ادوار نگاری فقه.....	۴۰۲
ادوار فقه از دیدگاه استاد محمود شهابی.....	۴۰۳
بررسی دیدگاه استاد شهابی.....	۴۰۳
ادوار فقه از دیدگاه استاد حسین مدرسی طباطبائی.....	۴۰۴
بررسی دیدگاه استاد مدرسی طباطبائی.....	۴۰۶
نکات مهم درس.....	۴۰۷

درس شصت و هشتم: نتایج و شیوه‌های ادوار نگاری فقه (۲).....	۴۰۹
ادوار فقه از دیدگاه استاد سید محمود شاهرودی.....	۴۰۹
بررسی دیدگاه استاد سید محمود شاهرودی.....	۴۱۱
ادوار فقه از دیدگاه استاد محمد ابراهیم جناتی.....	۴۱۱
بررسی دیدگاه استاد جناتی.....	۴۱۲
ادوار فقه از دیدگاه دکتر ابوالقاسم گرچی.....	۴۱۳
بررسی دیدگاه دکتر گرچی.....	۴۱۴
ادوار فقه از دیدگاه استاد جعفر سبحانی.....	۴۱۴
بررسی دیدگاه استاد جعفر سبحانی.....	۴۱۴
نکات مهم درس.....	۴۱۵

فصل ششم: آشنایی با فقه اهل سنت

۴۱۷ - ۵۵۰

درس شصت و نهم: ضرورت توجه به فقه اهل سنت.....	۴۱۹
نکات مهم درس.....	۴۲۴
درس هفتم: ممیزات فقه اهل سنت.....	۴۲۵
شیوه‌های ادوار نگاری فقه نزد اهل سنت.....	۴۲۶

۴۳۰	بررسی شیوه‌های ادوارنگاری.....
۴۳۱	نکات مهم درس.....
۴۳۳	درس هفتاد و یکم: دوره اول از ادوار فقه اهل سنت (عصر تشریع).....
۴۳۳	دیدگاه اول.....
۴۳۴	دیدگاه دوم.....
۴۳۴	دیدگاه سوم.....
۴۳۵	دیدگاه چهارم.....
۴۳۶	بررسی و مقارنه دیدگاه‌ها.....
۴۳۷	نکات مهم درس.....
۴۳۹	درس هفتاد و دوم: دوره دوم از ادوار فقه اهل سنت (عصر تمهید).....
۴۳۹	دیدگاه اول.....
۴۳۹	دیدگاه دوم.....
۴۴۱	دیدگاه سوم.....
۴۴۲	دیدگاه چهارم.....
۴۴۲	بررسی و مقارنه دیدگاه‌ها.....
۴۴۳	نکات مهم درس.....
۴۴۵	درس هفتاد و سوم: دوره سوم از ادوار فقه اهل سنت (عصر استقلال فقه).....
۴۴۵	دیدگاه اول.....
۴۴۶	دیدگاه دوم.....
۴۴۷	دیدگاه سوم.....
۴۴۷	دیدگاه چهارم.....
۴۵۱	بررسی و مقارنه دیدگاه‌ها.....
۴۵۲	نکات مهم درس.....
۴۵۳	درس هفتاد و چهارم: دوره چهارم از ادوار فقه اهل سنت (۱) (عصر کمال فقه).....
۴۵۳	دیدگاه اول.....
۴۵۳	دیدگاه دوم.....
۴۵۵	دیدگاه سوم.....
۴۵۸	نکات مهم درس.....
۴۵۹	درس هفتاد و پنجم: دوره چهارم ادوار فقه اهل سنت (۲) (عصر کمال فقه).....
۴۵۹	دیدگاه چهارم.....

۴۶۱	دیدگاه پنجم.....
۴۶۲	مقارنه و بررسی دیدگاه‌ها.....
۴۶۴	نکات مهم درس.....
۴۶۷	درس هفتاد و ششم: آشنایی با مذاهب فقهی اهل سنت (۱).....
۴۶۷	مذهب حنفی.....
۴۶۹	مذهب مالکی.....
۴۷۲	نکات مهم درس.....
۴۷۳	درس هفتاد و هفتم: آشنایی با مذاهب فقهی اهل سنت (۲).....
۴۷۳	مذهب شافعی.....
۴۷۵	مذهب حنبلی.....
۴۷۷	نکات مهم درس.....
۴۷۹	درس هفتاد و هشتم: آشنایی با مذاهب فقهی اهل سنت (۳).....
۴۷۹	عوامل انتشار مذاهب.....
۴۷۹	برخی اختلافات ائمه مذاهب.....
۴۸۰	مذاهب منقرض شده.....
۴۸۲	امامان شیعه و پیشوایان مذاهب.....
۴۸۳	منافرت میان ارباب مذاهب.....
۴۸۴	نکات مهم درس.....
۴۸۷	درس هفتاد و نهم: دوره پنجم از ادوار فقه اهل سنت (۱) (عصر انسداد باب اجتهاد).....
۴۸۷	دیدگاه اول.....
۴۸۸	دیدگاه دوم.....
۴۸۸	دیدگاه سوم.....
۴۸۹	دیدگاه چهارم.....
۴۹۰	اجتهاد پیروان مذاهب و انواع آن.....
۴۹۱	نکات مهم درس.....
۴۹۳	درس هشتادم: دوره پنجم از ادوار فقه اهل سنت (۲).....
۴۹۳	داستان انسداد باب اجتهاد.....
۴۹۷	نکات مهم درس.....

۴۹۹	درس هشتاد و یکم: دوره پنجم از ادوار فقه اهل سنت (۳)
۴۹۹	فقهاء و آثار دوره پنجم از مذهب حنفی
۵۰۰	از مذهب مالکی
۵۰۱	از مذهب شافعی
۵۰۲	از مذهب حنبلی
۵۰۳	نکات مهم درس
۵۰۵	درس هشتاد و دوم: دوره ششم از ادوار فقه اهل سنت (عصر انحطاط علم فقه)
۵۰۵	دیدگاه اول
۵۰۶	دیدگاه دوم
۵۰۷	اعلام مذهب حنفی در این دوره
۵۰۷	مهمترین مصادر فقه حنفی
۵۰۷	اعلام مذهب مالکی در این دوره
۵۰۸	مهمترین مصادر فقه مالکی
۵۰۹	اعلام مذهب شافعی در این دوره
۵۰۹	مهمترین مصادر فقه شافعی
۵۱۰	اعلام مذهب حنبلی در این دوره
۵۱۱	مهمترین مصادر فقه حنبلی
۵۱۲	نکات مهم درس
۵۱۳	درس هشتاد و سوم: دوره هفتم از ادوار فقه اهل سنت (۱) (عصر تقنین فقه)
۵۱۶	ممیزات دوره هفتم
۵۱۶	۱. تقنین فقه
۵۱۷	۲. شکسته شدن سد حصر مذاهب
۵۱۹	نکات مهم درس
۵۲۱	درس هشتاد و چهارم: دوره هفتم از ادوار فقه اهل سنت (۲) (عصر تقنین فقه)
۵۲۱	۳. قوت گرفتن اندیشه جواز تلفیق
۵۲۳	۴. ظهور حرکت های علمی دانشگاهی
۵۲۵	فقهاء و آثار دوره هفتم
۵۲۷	معرفی شیوخ الازهر
۵۳۰	نکات مهم درس
۵۳۱	درس هشتاد و پنجم: نگاهی به ابواب فقه اهل سنت
۵۳۱	نمونه های فهرست کتب فقهی

۵۳۴	روش فقه‌های دوره معاصر.....
۵۳۸	نکات مهم درس.....
۵۳۹	درس هشتاد و ششم: فقه سنی و آفاق تجدیدنظرطلبی.....
۵۳۹	محورهای نوآوری در فقه.....
۵۴۴	نکات مهم درس.....
۵۴۵	درس هشتاد و هفتم: طرحی برای ساماندهی بهتر مباحث فقه.....
۵۴۵	شانزده شاخه مجموعه بزرگ فقه.....
۵۴۸	بررسی طرح مذکور.....
۵۵۰	نکات مهم درس.....
۵۵۱-۵۶۴	منابع و مآخذ.....
۵۶۵-۵۶۸	نمایه آیات.....
۵۶۹-۵۷۰	نمایه روایات.....
۵۷۱-۵۸۶	نمایه اسامی کتب.....
۵۸۷-۵۸۸	نمایه اسامی انبیاء و معصومین.....
۵۸۹-۶۰۸	نمایه اسامی اشخاص.....

فقه و ضرورت مدخل‌نگاری

علم فقه، بی‌نیاز از مدخلی نیست که در آن از منابع، ابواب و مباحث، ادوار تاریخی و اعلام و آثار عرضه شده در هر دوره به شکل تطبیقی و با نگاهی به دیگر مذاهب سخن گفته شود.

مدخل فقه را کتابی باید در نظر گرفت که راه ورود به آفاق و اعماق فقه را هموار می‌کند و نمی‌توان پذیرفت که علم اصول برآورنده چنین نیازی باشد؛ چون علم اصول، علم به قواعد کلی استنباط و منطقی برای اجتهاد است که به تعبیر شهید صدر بدون آن ما در برابر انبوهی از نصوص شرعی قرار خواهیم گرفت، در حالی که نمی‌دانیم برای کشف احکام شرعی چگونه از آن نصوص بهره ببریم. درست مثل شخصی که ابزار نجاری و قطعات بسیاری از چوب دارد، ولی نمی‌داند چگونه با آنها تخته چوبین بسازد.^۱ پس دانستن علم اصول برای ورود به فقه استدلالی و استنباط احکام ضروری می‌نماید، اما نگاه دانشمند اصولی به علم فقه، بسیار محدودتر و جزئی‌تر از نگاهی است که ما می‌خواهیم برای جویندگان و خوانندگان این رشته علمی در آغاز راه فراهم کنیم.

کتاب‌های اصول فقه در وضعیت موجود تا حدی مُعرف منابع استنباط فقهی و راه بهره‌گیری از آنهاست و بدین لحاظ، کتاب‌های مذکور تا حد فراوانی مبانی اختلافات اجتهادی را معرفی می‌کند، ولی این کتاب‌ها غالباً تطوّر آرای فقهی را در سیری منظم منعکس نمی‌کند، هم‌چنان که به ابواب و تقسیمات فقه و معرفی فقها و آثار آنها تعرضی ندارد. پس باید فکر دیگری کرد و این نیاز را به گونه‌ای دیگر پاسخ داد.

در فراهم آوردن مجموعه معلوماتی که در مدخل علم فقه مورد نیاز است، علاوه بر اصل کتاب‌های فقهی و اصولی، از مقدمات نگاشته شده برای آن کتاب‌ها از سوی مؤلفان^۲ یا شاگردان آنها

۱. ر.ک: دروس فی علم الاصول، الحلقة الاولى، ص ۱۰۴، بحث مطرح تحت عنوان «اهمية علم الاصول فی عملية الاستنباط».

۲. مانند: مقدمة کتاب السرائر اثر ابن ادریس؛ مقدمة اصول الاستنباط اثر سید علی نقی حیدری؛ نیز می‌توان به تاریخ علم الاصول مندرج در مباحث کتاب المعالم الجديدة اثر شهید صدر اشاره کرد.

یا اعلام متأخر^۱ و نیز کتب تراجم و رجال و طبقات الفقها^۲ می‌توان بهره جست. از باب نمونه، می‌توان از دو کتاب معروف شیخ انصاری یعنی: *فرائد الاصول* و *المکاسب* نام برد که در ضمن طرح مباحث علمی و استدلالی، به طور ضمنی تاریخ تطور علم اصول و فقه و مبانی اختلافات اجتهادی را با آوردن عین عبارت و نشان دادن روش علمی هر دوره بخوبی منعکس می‌کند.^۳ و همین از امتیازات خاص هر دو کتاب محسوب می‌شود، ولی البته این اطلاعات جزئی و محدود باید منسجم و منظم و با معلومات لازم دیگر در یک جا متمرکز گردد.

در سال‌های اخیر، دانشمندان اهل سنت تلاش گسترده‌ای را در این جهت صورت داده‌اند و آثار مستقل فراوانی را تحت عنوان «المدخل الفقهي»، یا به صورت جزئی‌تر تحت عنوان «تاریخ التشريع الاسلامی» عرضه کرده‌اند^۴ که کوششی مشابه را برای معرفی فقه شیعه در همین قالب‌ها طلب می‌کند. البته محدود آثار دانشمندان شیعه که در زمینه موجود است،^۵ در خور تقدیر می‌باشد و برای نگاشتن آثار کامل‌تر باید مورد نظر قرار گیرد، ولی هنوز با شکل مطلوب فاصله زیادی دارد.

پیش‌تر اهل منطق از آوردن مقدماتی در آغاز هر علم برای شناخت: ۱. غرض و غایت؛ ۲. تعریف؛ ۳. موضوع؛ ۴. منفعت؛ ۵. عنوان یا فهرست ابواب؛ ۶. مؤلف؛ ۷. مرتبه؛ ۸. و انحای تعلیمی آن علم (تقسیم، تحلیل و تحدید) سخن می‌گفتند.^۶ برخی دیگر از منطقیان رئوس ثمانیه را چنین بر می‌شمردند: ۱. سَمَت (وجه تسمیه علم)؛ ۲. مؤلف؛ ۳. غرض (انگیزه فاعلی که برای پرداختن بدان علم لازم است)؛ ۴. منفعت (اثر حاصل از تحصیل علم)؛ ۵. مرتبه علم (بررسی تقدم یا

۱. مانند: مقدمه شیخ محمد مهدی و سید محمد کلانتر بر شرح *اللغة الدمشقية*.

۲. مانند: *موسوعة طبقات الفقهاء*، تألیف لجنة علمی در مؤسسه امام صادق (ع) و مقدمه آن به قلم استاد جعفر سبحانی.

۳. یکی از موارد روشن، تقریر شیخ انصاری در کتاب *فرائد الاصول* از دلیل اجماع است. ایشان در ضمن بیان تحقق اجماع بر صحت اجرای برائت در شبهات حکمیه، سیر تاریخی و تطور اقوال را به خوبی نشان می‌دهد.

۴. مانند: *المدخل فی التعریف بالفقه الاسلامی* اثر محمد مصطفی شلبی؛ *تاریخ التشريع الاسلامی* اثر محمد خضری‌بک؛ *علم اصول الفقه و خلاصة تاریخ التشريع الاسلامی* اثر عبد الوهاب خلاف؛ *المدخل الفقهي العام* اثر مصطفی احمد زرقا؛ *تاریخ الفقه الاسلامی* اثر عمر سلیمان اشقر؛ *مدخل لدراسة الشريعة الاسلامیة* اثر یوسف قرضاوی؛ *الفکر السامی فی تاریخ الفقه الاسلامی* اثر محمد بن حسن حجوی فاسی؛ *المدخل للتشريع الاسلامی* اثر محمد فاروق نهبان؛ *مدخل الفقه الاسلامی* اثر محمد سلام مدکور؛ *تاریخ الفقه الاسلامی* اثر محمدعلی سائیس؛ *الاجتهاد* اثر عبدالمنعم نمر؛ *مجموعه بحوث فقهیه* اثر عبدالکریم زبدان؛ *تاریخ التشريع الاسلامی* اثر مناع القطان.

۵. مانند: *تاریخ فقه و فقهاء* اثر دکتر ابوالقاسم گرجی؛ *ادوار اجتهاد و منابع اجتهاد* اثر محمد ابراهیم جناتی؛ *ادوار فقه* اثر محمود شهبانی؛ *مقدمه‌ای بر فقه شیعه* اثر حسین مدرسی طباطبائی؛ *مقدمه موسوعة طبقات الفقهاء* اثر جعفر سبحانی؛

ادوار علم الفقه و اطواره اثر علی آل کاشف الغطاء.

۶. ر.ک: رهبر خرد اثر استاد محمود شهبانی، ص ۵.

تاخر رتبه آن علم نسبت به دیگر علوم؛ ۶. جنس علم (عقلی یا نقلی و فرعی یا اصلی بودن علم)؛ ۷. قسمت (تقسیمات داخلی و ابواب علم)؛ ۸. روش‌های تعلیم (تقسیم، تحلیل، برهان و تحدید).^۱

در تعداد و عناوین این مقدمات اندکی اختلاف دیده می‌شود، ولی اصل نیاز به طرح این‌گونه مباحث برای هر علمی مورد اتفاق بوده است و وجه مشترک همه آنها که سنخ مباحث مذکور را نشان می‌دهد، همان جنبه مقدماتی و به تعبیر جدید پیش نیاز بودن آنها محسوب می‌شود. در حال حاضر، در بیشتر کتب علمی اکتفا به طرح مقدمات ثلاث، یعنی: تعریف، موضوع و فایده علم، مرسوم و معمول است، و چون به علم فقه می‌رسیم، می‌بینیم که دو کار دیگر در اطراف آن به صورت مفصل از علم فقه در حال وقوع است:

۱. رواج گرفتن مباحث مربوط به فلسفه فقه پس از طرح فلسفه‌های مضاف و بالا گرفتن مباحث مربوط به فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق و فلسفه تاریخ. این مباحث به طور عمده زادگاه شیعی دارد و محصول تضارب آرای روشنفکران مسلمان کشور، با دیدگاه‌های سنتی فقها است. این روشنفکران که حامل موج افکار و اندیشه‌های جدید هستند، در برابر فضای فکری حاکم بر حوزه تشیع به طرح پرسش‌های جدید پرداخته و زمینه جدیدی را برای فعالیت‌های علمی گشوده‌اند.

۲. با کشیده شدن دروس فقه به دانشگاه‌ها و توجه بیشتر به برنامه‌ریزی آموزشی مناسب و تأمین نیازهای جانبی دانشجویان رشته فقه، کار مدخل‌نگاری در دنیای اهل سنت خود را بیشتر نشان داده است؛ چرا که حوزه‌ها و مدارس سنتی فقه در میان اهل سنت به تدریج ضعیف و مراکز دانشگاهی و وابسته به دولت تقویت و توسعه یافته است و این البته با طبیعت فقه سنی که در فکر تشکیلات مستقل از حکومت نیست، سازگاری بیشتری دارد. از این رو، نگارش‌های موجود تحت عنوان «مدخل فقه» به‌طور عمده زادگاه سنی دارد و محصول درسی شدن ماده فقه در مجامع دانشگاهی اهل سنت است و به انگیزه وسعت نظر بخشیدن به خواننده مباحث فقه، پدید آمده است. باری، اکنون صرف‌نظر از زمینه‌ها و بسترهای پیدایی این گونه مباحث، در هر دو عرصه باید از پاسخ‌گویی مناسب به اصل نیازهای موجود سخن گفت. نخست باید توجه داشت که مباحث مدخل‌های فقهی از سنخ همان مباحث مطرح در رؤس ثمانیه به شمار می‌آید و متفاوت از مباحث فلسفه فقه است؛ چه آن که فیلسوف فقه را الزاماً فقیه بدانیم یا ندانیم، و چه کار او را از حد گزارش و توصیف فراتر ندانیم، یا آن که آن را به حد توصیه و تبیین بایدها و نبایدها برسانیم، در هر صورت، او در جست‌وجوی مبادی تصویری و تصدیقی فقه، معرفی منابع آن، نحوه ارتباط فقه با دیگر علوم و

بررسی تأثیرها و تأثرها، روش استنباط فقهی و امور دخیل در استنتاج، رمز تفاوت مدرسه‌های فقهی، تعیین قلمروی فقه و شریعت است. و البته از تعریف، موضوع و هدف فقه با عنوان چیستی و چرایی علم فقه نیز سخن دارد.

برخی معتقدند که در پاسخ پرسش‌های فلسفه فقه باید به سراغ تاریخ فقه و آنچه در طول زمان اتفاق افتاده و می‌افتد و خلاصه سراغ واقعیت موجود برویم و عملکرد فقه را که همان عملکرد فقهاست، مبنا قرار دهیم؛ چون کار فیلسوف فقه گزارش است و گزارش‌گر از واقعیت موجود خبر می‌دهد. و برخی معتقدند فیلسوف فقه نقش آفرین است و اظهارنظر او سرانجام به معماری، اصلاح و طرح‌ریزی بهتر برای فقه می‌انجامد. پس او تنها گزارش‌گر نیست و تنها واقعیت موجود را نمی‌بیند، بلکه ظرفیت‌های علم فقه را می‌سنجد و از آنچه باید باشد و نیست، یا کمتر به فعلیت رسیده است، خبر می‌دهد.^۱

اگر به همه این بحث‌ها توجه کنیم، می‌بینیم که فلسفه فقه هنوز در حال طراحی قرار دارد و گفت‌وگوها از حد ترسیم جهت و کیفیت مباحث فراتر نرفته است. هنوز براساس یکی از مبانی مختار در فلسفه فقه اثر مستقلی عرضه نشده است، چه رسد بدان که هر یک از مبانی باید مدلل شود و مدلل نشده است. هنوز هم معلوم نیست که چرا نباید از خود علم فقه بپرسیم که قلمروی آن چیست؟ چرا بحث از تاریخ‌تطور و تکامل فقه، خارج از مباحث فقه تلقی شده است و به چه ملاکی در مباحث فلسفه فقه می‌تواند داخل باشد؟ آیا نگاه بیرونی فیلسوف فقه می‌تواند به تخطئه یک فقیه در استنتاج فقهی‌اش بینجامد؟ و چگونه است که تماشاگران صحنه بحث و گفت‌وگوی کارشناسان و متخصصان یک فن یک باره بدون آنکه خود را اهل فن بدانند، می‌توانند به صحنه بحث وارد شوند و میان آن داوری کنند و بدانها راه را نشان دهند و به تدریج بازیگر میدان شوند؟ یعنی یا فرض اهل فن نبودن آنها فرض اشتباه است و یا فرض نقش آفرین و بازیگر شدن آنها.

به سبب همین ابهامات، فلسفه فقه جولانگاه اهل کلام جدید شده و حتی فقها، با شخصیت کلامی خود، در این نوادی قدم گذاشته‌اند. گذشته از آن که سطح عمیق‌تر و دقیق‌تر مباحث فلسفه فقه، مناسب حال تازه راه‌یافتگان به دریای فقه نیست. پس باید در فکر تدوین مدخلی برای علم فقه برآیم که طرح کلی آن چندان پیچیده نیست، ولی تطبیق و عملی ساختن آن به شکل مطلوب البته سخت است.

۱. برای اطلاع از تقابل اندیشه، در زمینه مباحث فلسفه فقه، ر.ک: گفت‌وگوهای فلسفه فقه، ص ۵۴-۱۰۰ و ص ۱۰۲-۱۵۲.

(تقابل دیدگاه‌های محمد مجتهد شبستری و دکتر ناصر کاتوزیان.)

اگر برای نمونه، به کتاب المدخل الفقهي العام تدوین دکتر مصطفی احمد زرقا استاد برجسته و پرآوازه رشته فقه و حقوق که رسماً در «مؤتمر رابطة العالم الاسلامی» به سال ۱۳۸۴ قمری در مکه مکرمه، پیشنهاد اجتهاد گروهی را مطرح کرد و فرد پرنفوذ در مجامع دانشگاهی چند کشور مسلمان محسوب می‌شد، نگاهی بیفکنیم، سرفصل‌های کتاب را چنین می‌یابیم: معنای فقه، تفاوت شریعت و قانون و تفاوت قوانین شرعی و وضعی، اهداف شریعت، نظام تشریع، خصوصیات شریعت اسلامی، اقسام احکام فقهی، مصادر اصلی فقه، مصادر تبعی، ادوار فقه، اختلاف اجتهادات و ارزش آن و سرانجام نظریه‌های فقهی.

نمونه خوب دوم از مدخل فقهی، اثری از محمد مصطفی شلبی موسوم به المدخل فی التعریف بالفقه الاسلامی است که رئیس مطالب آن عبارتند از: احتیاج به شریعت، شرایع آسمانی، تفاوت شریعت و دین و فقه، ادوار فقه، معرفی مذاهب فقهی، فقه و قانون‌گذاری، موضع ائمه فقه در برابر تقلید، اسباب اختلاف ائمه فقه، مزایای فقه اسلامی، مصادر اصلی و تبعی فقه، موازنه میان فقه اسلامی و قوانین وضعی، شبهه تأثیر فقه از قانون رومی، موضع اسلام در برابر حیل‌های شرعی و سرانجام نظریه‌های فقهی.

با نظری به نمونه‌های دیگر می‌بینیم که محور مشترک این گونه آثار، بیان تعریف فقه و شریعت و خصوصیات آن، معرفی منابع و ادوار و آثار و اعلام در هر دوره، ارتباط فقه و حقوق و بیان تعدادی از نظریه‌های فقهی است. و آثاری مشابه با عنوان «تاریخ التشریع الاسلامی» نیز یافت می‌شود که متمرکز بر بیان ادوار و تحولات فقه و سیر تکامل آن است و به‌طور ضمنی از منابع و مصادر فقه و تفاوت فقه و قانون نیز سخن می‌گوید و بدین لحاظ مشابه مدخل‌های فقهی است.

اما تنوع و تمایز آثار مذکور بیشتر در چند موضع به چشم می‌آید:

۱. در بیان تعدد و کثرت منابع فقه: در اعتبار عقل، قیاس، استحسان، استصلاح، عرف، شریعت سلف و مذهب صحابی و ارجاع برخی به برخی دیگر، هر یک از دانشمندان اهل سنت مطابق مذهب رسمی خود در فقه و یا آنچه در خارج از چارچوب مذاهب رسمی پذیرفتنی می‌دانسته، اظهار نظر کرده است.^۱

۲. در بیان کم و کیف ادوار فقه و خصوصیات هر دوره و مباحث تابعه همچون جواز اجتهاد پیامبر(ص)، اجتهادات و اختلافات صحابه، علل انسداد باب اجتهاد و پیامدهای آن، مذاهب سائده و

۱. برای نمونه ر.ک: علم اصول الفقه اثر عبدالوهاب خلاف، ص ۹۱ و ۱۰۰: المدخل الفقهي العام اثر مصطفی احمد زرقا، ص ۱۲۲ (در بحث از حجیت استحسان و استصلاح).

بائده، ویژگی‌های ائمه اربعه و فقه آنها، اعلام و مصادر هر مذهب فقهی، اسباب اختلافات مجتهدان و اقسام آنها، علل گرایش به تقلید و تمذهب در ادوار سابق و گرایش به انفتاح در دوره معاصر.^۱ مثلاً در شمارش ادوار فقه، محمد سلام مذکور از وجود سه دوره، محمد حجوی ثعالبی و عبدالوهاب خلاف و مصطفی شلبی از چهار دوره، محمد خضری بک و عمر سلیمان اشقر و مناع القطنان از شش دوره و مصطفی احمد زرقا از هفت دوره سخن رانده‌اند، چنان که حجم اختصاصی به ادوار و مرحله‌بندی برای برخی ادوار و شرح خصوصیات هر دوره در کار این مدخل‌نگاران بسیار متفاوت دیده می‌شود.^۲

۳. در معرفی فقه‌ها و کتابهای علمی عرضه شده در هر دوره، غالب آثار مذکور معرفی خوبی از فقه‌های دوره معاصر و کتب فقهی آنها ندارند و در دوره‌های پیش‌تر برخی به تفصیل و برخی به ایجاز وارد شده‌اند، چنان که گاه هیچ تعریفی از دوره معاصر دیده نمی‌شود.

۴. در بیان تقسیمات داخلی فقه، برخی مانند مصطفی احمد زرقا، متأثر از تقسیمات علم حقوق، مباحث فقه را به هفت دسته تقسیم کرده‌اند (عبادات، احوال شخصیه، معاملات، احکام سلطانی یا سیاست شرعی، عقوبات، حقوق دولی و آداب).^۳ و برخی مانند عمر سلیمان اشقر تنها به تقسیم ثلاثی (عبادات، معاملات و عقوبات) یا رباعی (عبادات، معاملات، مناکحات و عقوبات) اشاره‌ای مختصر داشته‌اند.^۴

در این‌جا نیز مانند دیگر موارد مؤلفان مدخل‌ها به دیدگاه‌های معاصران خود توجه کافی نداشته‌اند، در حالی که از راه مقارنه و مقایسه دیدگاه‌ها به طراحی مناسبی برای بیان تقسیمات و ادوار فقه می‌توان دست یافت.

شکل مطلوب برای مدخل فقه شیعه

در نگارش چنین مدخلی باید نکات زیر ملاحظه شود:

۱. تفاوت فقه شیعه با فقه سنی به تمام مذاهب آن، بدین لحاظ از خلط مباحث و تاریخ‌تطور و

۱. برای نمونه: مصطفی شلبی در المدخل، ص ۱۰۰ گوید: اجتهاد پیامبر(ص) منبع مستقلی برای تشریح جدای از کتاب و سنت حساب نمی‌شود، ولی عبدالوهاب خلاف در علم اصول الفقه، ص ۲۶۸ گوید: مصدر تشریع در عهد نبوی جز وحی الهی و اجتهاد رسول خدا(ص) چیز دیگری نبود، چنان که در مورد امکان و وقوع اجتهاد از سوی صحابه رسول خدا(ص) در عصر نبوت نیز اختلاف وجود دارد. (ر.ک: اجتهاد و سیر تاریخی آن از دیدگاه اهل سنت اثر احمد نعمتی، ص ۱۹۲).

۲. آثار هر یک از دانشمندان پیشتر اشاره شد.

۳. المدخل الفقهي العام، ج ۱، ص ۵۶.

۴. تاریخ الفقه الاسلامی، ص ۲۱.

تکامل فقه شیعی با فقه سنی چنان که در برخی آثار دیده می‌شود،^۱ باید پرهیز شود و خصوصیات فقه شیعی که به سبب آن از فقه سنی تمایز می‌یابد و بیشتر به ناحیه مبانی کلامی و منابع اجتهادی باز می‌گردد، باید مورد نظر قرار گیرد. متفرع بر این نکته اموری چند است:

الف) تقنین فقه در شیعه، داستانی کاملاً متفاوت از تقنین فقه در اهل سنت دارد و به لحاظ زمانی نیز متأخر است.^۲

ب) بحث از تقلید و تمذهب که از پیامدهای انسداد باب اجتهاد در میان اهل سنت بود و به دنبالش بحث از اقسام مجتهدان، مانند: مجتهد مذهب، مجتهد تخریج و مجتهد ترجیح، در فقه شیعه اصلاً جایگاهی ندارد.

ج) فراز و فرود فقه شیعه به لحاظ مقاطع زمانی منطبق بر فراز و فرود فقه سنی در ادوار مختلف آن نیست. برای نمونه، فقه شیعی در دوره شیخ طوسی و نیز در دوره شیخ انصاری در اوج خود بوده است؛ ولی در همین مقاطع فقه سنی در انحطاط بود و در عوض عصر ائمه اربعه فقه سنی که عصر طلایی اجتهاد برای آنها محسوب می‌شود، نزد شیعه عصر نص و عصر حضور معصومان (ع) است که به طبیعت خود توجه بیشتری از سوی اصحاب برای حفظ و تدوین نصوص می‌طلبید و داعی فراوانی برای گسترش ابواب اجتهاد و تفریع موجود نبود.^۳

د) عناوین انتخابی برای هر دوره که معرف نوع تحولات آن دوره باشد و نیز تعیین مرز فارق میان ادوار که معمولاً در شیعه با پیداشدن مرجعیت علمی و اجتماعی یکی از فرزندان همراه بوده، کاری متفاوت از کار انتخاب عناوین و مرزهای فارق میان دوره‌ها در فقه سنی است. و تا جایی که نگارنده دیده، در اصل این کار نویسندگان شیعه و سنی دقت کافی نداشته‌اند؛ تا چه رسد به مقایسه و مقارنه دیدگاه‌ها و انتخاب بهترین شیوه‌ها.

ه) با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تدوین قانون اساسی و حاکمیت یافتن فقهاء می‌توان

۱. مانند: ادوار اجتهاد اثر محمد ابراهیم جناتی، ص ۸۵-۲۴۰ (در بیان دوره دوم و سوم از ادوار اجتهاد).

۲. ر.ک: فقه و قانون‌گذاری اثر ابراهیم شفیعی سروستانی.

۳. البته تأثیر و تأثرات اجمالی را نباید نادیده گرفت. شهید صدر در المعالم الجدیة، ص ۶۹، فقه سنی را عامل محرکی برای نمو فقه شیعی یاد می‌کند و توقف نسبی حرکت فقهی بعد از شیخ طوسی را تا حدی متأثر از توقف حرکت علمی در میان اهل سنت می‌داند و چنین تعبیر می‌کند: «ان نمو الفكر العلمی و الاصولی لدى الشیعة لم یکن منفصلاً عن العوامل الخارجیة التي كانت تساعد علی تنمية الفكر و البحث العلمی و من تلك العوامل عامل الفكر السنی لان البحث الاصولی فی النطاق السنی و نمو هذا البحث وفقاً لاصول المذهب السنی كان حافزاً باستمرار للمفكرين من فقهاء الامامية لدراسة تلك البحوث فی الاطار الامامی و وضع النظريات التي تتفق معه فی كل ما یثیره البحث السنی من مسائل و مشاكل و الاعتراض علی الحلول المقترحة لها من قبل الآخرين.»

گفت که فقه شیعه به دوره‌ای جدید قدم گذاشت که از شاخصه‌های آن به فرموده امام خمینی (ره) توجه به نقش زمان و مکان در اجتهاد است. ولی در میان اهل سنت آغاز دوره جدید را می‌توان با تدوین *مجلة الاحکام العدلیة* به سال ۱۲۹۳ قمری در دستگاه حاکم عثمانی همراه دانست که این دوره تا به امروز تداوم یافته است و پیامدهای آن شکسته شدن حصر مذاهب اربعه، جواز تلفیق در تقلید و زمزمه بازگشت به عصر طلایی انفتاح باب اجتهاد بود، چرا که اصل فرمان حصر مذاهب تدبیری از سوی حاکمان سنی برای رفع اختلافات و حل مشکلات باب قضاوت بود.^۱ و امروز با تدوین قوانین و پابندی قضاات دولتی بدان قوانین، زمینه انفتاح ابواب اجتهاد مطلق تا حدی فراهم شده است؛ هرچند برخی چون حجوى ثعالبی^۲ و عبدالوهاب خلاف^۳ معتقدند که از انتهای قرن چهارم تاکنون تحولی اساسی در فقه سنی پیدا نشده است که مبدأ ورود به دوره‌ای جدید باشد و ما اکنون در عهد تقلید و جمود که عصر هرم و فرتوتی برای اندام فقه محسوب می‌شود، به سر می‌بریم. ۲. در نگارش مدخل فقه البته نمی‌توان به مذهب فقهی خاصی بسنده کرد؛ چون مذاهب فقهی بر یکدیگر تأثیرگذار هستند و خصوصاً تقابل دیدگاه شیعه و سنی برای هر دو گروه بسیار مفید است. مدخل نگاران فقه در میان اهل سنت نگاهی کوتاه و اندک به مذهب فقهی شیعه و در حد معرفی اجمالی آن داشته‌اند، ولی مدخل‌نگاران فقه در میان شیعه باید نگاهی گسترده‌تر و عمیق‌تر به فقه سنی داشته باشند و در عمل نیز اهتمام بدین امر را نشان داده‌اند.

ضرورت توجه به فقه سنی آن هنگام بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم شیعه برای شناخت مذهب فقهی خود و مقومات آن و تشخیص موارد تقیه در سنت معصومان (ع) و فهم صحیح برخی روایات و دفاع از مذهب فقهی خود ناچار به طرح مباحث فقه مقارن است.^۴ و از آن سو، تعامل فکری و فرهنگی فقهای اهل سنت با فقهای شیعه و ادله و آرای فقهی آنها، می‌تواند به اعتدال نسبی فقه سنی کمک شایانی کند و اگر آنها بدین سو نیایند، ما ناچاریم به هر گونه که می‌توانیم خود را بدانها نزدیک کنیم تا آثار مثبت این مجاورت بر آنها ظاهر شود و از انحراف بیشتر آنها جلوگیری شود؛ یعنی نقش فقه شیعه در هدایت فقه سنی به سوی اقوال دقیق‌تر و عمیق‌تر بر همان مبانی مختار نزد

۱. ر.ک: تاریخ حصر الاجتهاد اثر آقابزرگ تهرانی و نیز مقاله «تاریخ حصر الاجتهاد فی المذاهب الاربعه» به قلم شیخ محمد هادی یوسفی غروی در *مجلة الفكر الاسلامی*، شماره ۱۲، سال سوم که ترمیم و تکمیل نوشته آقابزرگ تهرانی است.

۲. ر.ک: *الفکر السامی*، ج ۱، ص ۶۰.

۳. ر.ک: *علم اصول الفقه*، ص ۲۶۸.

۴. ر.ک: *مجلة طلوع*، سال ۲، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۲، (فوائد فقه مقارن از دیدگاه آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی).

خودشان نیز باید نادیده انگاشته نشود و بدین لحاظ، شیعه نباید حضور خود را در مجامع علمی اهل سنت کم‌رنگ کند، چرا که دست کم تعلیم جاهل واجب است.

۳. در تبیین منابع فقه، زاویه دید یک شخصیت اصولی متفاوت از زاویه دید ماست. اصولیان، از اصل دلیلیت دلیل شرعی و نحوه دلالت آن و نیز از چاره‌جویی‌ها برای حالت وقوع تعارض میان ادله معتبر سخن دارند، ولی شکل فنی بحث آنها در مدخل فقه مناسب حال نیست. برای نمونه، وقتی قرآن را اساسی‌ترین منبع فقه و تشریع اسلامی می‌شمیریم، مباحث زیر می‌تواند مطرح باشد: اعتبار سندی قرآن موجود از نظر فقها، پاسخ فقها به ادله اخباریان درباره تحریف قرآن، تأثیر اختلاف قرائت‌ها در تمسک به قرآن، حجیت ظاهر قرآن، بررسی مسئله نسخ و تأثیر آن در فقه و اجتهاد، رابطه کتاب و سنت، نظارت قرآن بر دیگر منابع فقه، شناخت آیات الاحکام و معرفی آثار فقه‌های شیعه و سنی در این باره. همه این عناوین در کتاب‌های اصول فقه شیعه نیز می‌تواند مطرح باشد، اما مهم جهت‌گیری بحث است.^۱

۴. ذکر معنای لغوی و اصطلاحی واژه‌های فقه، اجتهاد، استنباط و شریعت و تبیینی اجمالی از معنای اجتهاد، اجتهاد مذموم و ممدوح، مقدمات اجتهاد، تجزّی در اجتهاد، تخطئه و تصویب و به دنبال آن بحث از قاعده اشتراک و کمال شریعت در پیشاپیش مباحث مدخل فقه، ضروری می‌نماید.

۵. نگاه کلان به فقه و مباحث و تقسیمات داخلی آن در مدخل فقه کاری لازم است. نخست از تبویب و نحوه تقسیم مباحث فقه باید سخن گفت و به ملاک‌های مختلف برای این کار باید اشاره کرد و ارتباط تنگاتنگ فقه و حقوق و شاخه‌های مختلف علم حقوق را مدنظر داشت. البته شبیه همان اختلاف در تقسیم مباحث فقه، در تبیین شاخه‌های حقوق موضوعه نیز دیده می‌شود و پیشنهادهای جدیدی از سوی برخی از اندیشمندان شیعه و سنی مانند شهید آیه‌الله سید محمد باقر صدر^۲ و دکتر وهبه زحیلی^۳ و دکتر جمال عطیه^۴ ارائه شده که باید مورد بحث و تحلیل قرار گیرد و سپس نوع مباحث فقه را به زبانی ساده و به طور مختصر باید بازگو کرد. در معرفی اجمالی ابواب فقه گرچه کار شهید آیه‌الله مطهری در مجموعه آشنایی با علوم اسلامی در خور توجه و با ملاحظه زمان تدوین اثر بسیار ارزشمند و ابتکاری محسوب می‌شود، ولی اکنون نباید بدان حد بسنده کرد و توسعه و تعمیق بیشتری بدین کار باید بخشید.

۱. این جهت‌گیری مطلوب برای مدخل فقه در کتاب نقش قرآن در استنباط اثر سیف‌الله صرامی به خوبی دیده می‌شود.

۲. ر.ک: مقدمة الفتاوی الواضحة از شهید سید محمد باقر صدر.

۳. ر.ک: الفقه الاسلامی و ادلته اثر دکتر وهبه زحیلی، ج ۲، ص ۲۰.

۴. ر.ک: تجدید الفقه الاسلامی، ص ۱۴-۷۴.

۶. بحث از نظریه‌های فقهی، مانند: نظریه عقد، ملکیت، الزام و اهلیت، به رغم تلاش دانشمندان اهل سنت هنوز جایگاهی در فقه اسلامی و به خصوص در فقه شیعه نیافته است و به نظر می‌رسد که نسبت به آنچه در قوانین موضوعه دنیای غرب وجود دارد،^۱ نوعی شبیه‌سازی ناشیانه صورت گرفته باشد. فقه اسلامی اصول و مبانی خاص خود را دارد؛ جزئیات احکام شرعی با عنایت به قواعد اصولی ارتباط معقول و منطقی با یکدیگر می‌یابند و دانستن این گونه قواعد ما را در راه کشف احکام مجهول کمک می‌کند.

قواعد اصولی به هر گونه که تعریف شوند، منبعی جدای از منابع احکام شرعی نمی‌تواند داشته باشد و حتی مراجعه به عرف برای تعیین ظهورات الفاظ یا رفع تعارض بدوی دو دلیل و نیز مراجعه به سیره عقلانی که در علم اصول از دلیلیت آنها و دخالتشان در استنباط احکام سخن گفته می‌شود، در نهایت به سبب کشف موضع شارع و امضای حجیت عرفی ظهور یا امضای سیره عقلا، به مرحله حجیت شرعی می‌رسند. و این بدان معناست که شارع راه تفسیر و تحلیل قوانین شرع را به سبب دلیل عقل و دلیل نقل گشوده و در نتیجه، باید گفت: قواعد اصولی از همان منابع استخراج احکام شرعی، استخراج می‌شود.

علاوه بر این قواعد اصولی، مجتهد نیازمند شناخت قواعد فقهی نیز هست. این قواعد گاه منصوص و مصرح است، مانند: قاعده لا حرج که از نص آیه شریفه «ما جعل علیکم فی الدین من حرج»^۲ استفاده شده و مانند: قاعده «لاتعاده» برگرفته از نص حدیث منقول از حضرت باقرالعلوم (ع) لاتعاده الصلاة الا من خمس، الطهور و الوقت و القبلة و الركوع و السجود^۳ است. و گاه این قواعد مستنبط و مستخرج می‌نماید مانند: قاعده ما یضمن بصحیحه یضمن بفساده و ما لایضمن بصحیحه لایضمن بفساده که کلیت آن از بررسی موارد جزئی متعدد و الغای خصوصیات در هر مورد فراهم می‌شود.

باری، قواعد فقهی به هر گونه‌ای که شکل می‌گیرد، در دست فقیه همچون ابزاری برای شناخت احکام شرعی است که تنها زحمت تطبیق بر موارد خاص را می‌طلبد؛ زحمتی که البته جز فقیه نمی‌تواند متحمل آن گردد، چون مستلزم بررسی قیود، حدود، شرایط و موانع اجرای هر قاعده است و از این رو، جریان قواعد فقهی در موارد معین بر مطالعه علمی دقیق متوقف و در توان اهل فن است، ولی مسائل فقهی مذکور در رساله‌های عملی که به صورت فتوا در اختیار مقلدان است، تنها زحمت تطبیق موضوعات را می‌طلبد که بر عهده خود مکلف است و از شأن فقیه به دور می‌نماید. بدین

۱. ر.ک: المدخل فی التمریف بالفقه الاسلامی، محمد مصطفی شلبی، ص ۳۲۳.

۲. حج (۲۳): ۷۸.

۳. وسائل الشیعه، باب ۹ از ابواب قبله، حدیث اول.

ترتیب و با عنایب به همین توضیحات مختصر و شتاب زده معلوم می‌گردد که چرا قواعد فقهی را برزخی میان اصول و فقه می‌دانند.

اکنون جای آن دارد که بپرسیم: پس جایگاه نظریه‌های فقهی کجاست؟ آیا فراتر از قواعد فقهی و قواعد اصولی است، چیزی به نام نظریه‌های فقهی وجود دارد که در کشف و شناخت احکام شرعی و یا تفسیر و تحلیل قوانین شرع نقش مؤثری داشته باشد و آیا دست‌یابی بدانها می‌تواند در زدودن ابهامات کار شرع و قانون‌گذاری ما را یاری کند؟

واقعیت آن است که ما هنوز پاسخ مثبتی برای این پرسش نیافتیم. چون این نظریه‌ها نه در آن حد تعریف شده‌اند که چارچوب‌های کلی تشریع را ترسیم کنند و به تعبیر برخی محققان از قبیل پارادایم‌های فقهی محسوب شوند،^۱ و نه در آن حد که معرف مبانی فقه اسلامی باشند، و نه ابزاری در دست فقیه برای استنباط احکام فروعاً جزئی یا کشف اصول کلی تشریع به شمار آمده‌اند. آن‌گاه باید گفت پس دانستن و ندانستن آنها چه تفاوتی در کار فقیه یا حقوق‌دانان اسلامی می‌تواند ایجاد کند؟ گذشته از آن که طراحی مناسبی برای مباحث نظریات فقهی هنوز دیده نمی‌شود. مثلاً وقتی باب سخن از نظریه فقهی ملکیت گشوده می‌شود، توقع می‌رود که عناوین اصلی مبحث چنین باشد: تعریف نظریه فقهی، ملاک و ضابطه نظریه بودن، مدرک و درجه اعتبار نظریه، حدود و قلمرو نظریه، موارد تطبیق نظریه، آثار و لوازم قبول یا انکار نظریه و ارتباط نظریه مذکور با برخی نظریات دیگر و بررسی تعارض یا تداخل آنها.

ولی در عمل می‌بینیم که عناوین مبحث مذکور را چنین آورده‌اند:

۱. تعریف لغوی و اصطلاحی ملک؛

۲. اسباب شرعی ملکیت؛ (اول. احراز که همان حیا زت باشد؛ دوم. عقود؛ سوم. خلفیه و آن عبارت است از ارث و تعویض و تضمین که در فقه ما تعویض و تضمین تحت عنوان مثلی و قیمی مطرح می‌گردد؛ چهارم. تولد از مملوک).

۳. تقسیم اسباب ملکیت؛ (اول. به اعتبار جبری و اختیاری بودن؛ دوم. به اعتبار ناقل و منشی بودن؛ سوم. به اعتبار محل یعنی چیزی که ملکیت بر آن واقع شده است، اعم از دین و عین و منفعت؛ چهارم. به اعتبار صورت که ملک متمیز باشد یا مشاع و بررسی اقسام شیوع و راه ازاله آن).

۴. خصایص ملکیت؛ (اول آن که ملک عین مستلزم ملک منفعت است و لا عکس؛ دوم آن که اصل در ملک عین عدم توقیت و اصل در ملک منفعت توقیت است؛ سوم آن که ملک عین اسقاط نمی‌پذیرد و تنها نقل می‌پذیرد؛ چهارم آن که ملکیت مشترک دیون و ملکیت ذمه قسمت نمی‌پذیرد؛

و پنجم آن که ملکیت مشترک در عین مانند ملکیت متمیز موجب تصرف است، مگر مانعی موجود باشد.^۱

از مطالعه مباحث مطرح در ذیل این عناوین و عناوین مشابه بدین نتیجه می‌گیریم که نظریه ملکیت نظریه‌ای است که موضع فقه اسلامی را نسبت به ملکیت اشخاص حقیقی یا حقوقی بر اعیان یا منافع در موارد مختلف و به اشکال مختلف آن توضیح می‌دهد، ولی هنوز اصل نظریه که در همه این ابیات حضور باید داشته باشد، معلوم و مشخص نیست چنان که در بحث از نظریه عقد، رئوس مطالب چنین آمده است:

فرق عقد و تصرف، تفاوت رکن و سبب و علت و شرط و مانع، مقومات عقد (عاقدان، محل عقد، موضوع عقد که مقصود همان اثر عقد است و ارکان عقد یعنی ایجاب و قبول و اقسام آن)، شرایط عام انعقاد عقود (اهلیت عاقدان، مفید بودن عقد، ممنوع نبودن عقد و اتحاد مجلس عقد)، اراده اکراه در عقد، خدعه در راضی کردن طرف مقابل به معامله و فروعات آن، غلط و غبن در معامله، آثار عقد و از جمله آثار عمومی آن که نفوذ و الزام باشد، عقود غیر لازم به طبیعت عقد، تعلیق عقد بر شرط و انحلال عقد.^۲

در این‌جا نیز جنبه نظریه بودن عقد همچنان مجهول و مبهم است. جدای از آن که می‌بینیم در نظریه ملکیت از عقد و در نظریه عقد از اهلیت که هر کدام نظریه‌ای مستقل شمرده شده، مطالبی به میان می‌آید و نوعی تداخل در مباحث احساس می‌شود. بدین جهت، باید بحث از نظریه‌های فقهی را در مدخل فقه وا گذاشت، شاید که در آینده به افق روشن‌تری برسیم.

خصوصیات این اثر

طرح اولیه اثر حاضر که در قالب ۸۷ درس و طی شش فصل سامان گرفته است، در گروه علمی مرکز تدوین متون درسی حوزه در سال ۱۳۸۰ ه.ش به تصویب رسید و کار نگارش از همان سال مطابق عناوین پیشنهادی آغاز گردید و سرانجام پس از سه سال به فرجام رسید و اکنون در راستای تحقق بخشیدن به شکل مطلوب دارای ویژگی‌هایی است که اهم آنها عبارتند از:

۱. سعی شده است متن فارسی این درسنامه روان و گویا و در عین حال وافی به معنا و مقصود باشد و از عبارت پردازی و پیچیده‌سازی متن که نزد برخی علامت پرمحتوایی و پرباری است، پرهیز شود. و بدین خاطر چه بسیار که عبارتی را جانشین عبارت سابق کرده‌ایم تا سرانجام به تعبیری کوتاه

۱. ر.ک: المدخل الفقهي العام اثر مصطفی احمد زرقا، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۸۷.

۲. همان، ص ۲۸۸ به بعد.

و روشن دست یابیم. البته می‌دانیم که نباید با فارسی‌سازی برخی تعبیرات و برخی کلمات رایج در علم فقه، خواننده را از فضای ادبی حاکم بر این علم دور ساخت؛ چرا که هر رشته علمی ادبیات خاص خود را دارد و بر طالب علم است که ادبیات و اصطلاحات آن رشته را بیاموزد.

۴. خواننده کتاب عموم طلاب و دانشجویان رشته فقه و رشته‌های مرتبط تعریف شده‌اند که بر ساحل این دریا ایستاده‌اند و راه ورود بدان را می‌جویند. سیاست کلی در تنظیم این درسنامه استقلال محصل در فراگیری مطالب آن است؛ از این رو کافی است که در برنامه درسی استاد مشرف پیش‌بینی شود تا با برقراری جلسات رفع اشکال به صورت هفتگی، محصلین را یاری و مباحث مطرح شده را غنای بیشتر بخشد؛ چنان که می‌توان متن درس‌ها را بهانه بحث و گفت‌وگوی بیشتر قرار داد و یک ساعت تدریس برای هر درس مقرر ساخت.

۳. عناوین فصل‌ها و درس‌ها مختلف و محتوای بخش‌ها در مقایسه با هم از فراز و نشیب زیادی برخوردار است. گاه به عمق وارد می‌شویم و گاه در سطح جست و جو می‌کنیم، گاه تمرکز بر اقوال و آراء است و گاه بر تحلیل و بررسی؛ و خلاصه اطلاعات عرضه شده متنوع و در رفع خستگی خواننده می‌تواند مؤثر باشد و به همین جهت حجم درس‌ها متفاوت و متناسب با سطح کیفی آنهاست. ولی در مجموع می‌توان کمیت هر درس را در حد یک جلسه درسی محسوب کرد. بنابراین به نظر می‌رسد اختصاص یک ساعت درس روزانه در قالب نیم سال تحصیلی برای اتمام کتاب کافی باشد.

۴. عنوان‌بندی مناسب برای بحث‌ها و درس‌ها، تفکیک جهات و حیثیات هر بحث، ارائه تقسیم‌بندی‌های جامع و مانع، طرح‌ریزی شکلی صحیح برای ورود به هر بحث و خروج از آن و در نهایت تکیه بر نکات مهمی که باید به خاطر سپرده شود، همه و همه ابزارهایی برای سهل‌الوصول کردن مطالب یک رشته علمی است. و ما سعی کرده‌ایم، از این ابزارها تا حد امکان بهره‌جویم.

۵. آشناسازی طلاب و دانشجویان با روش‌های تحقیق و اصول و قواعد آماده‌سازی پژوهش‌های علمی، از اهداف ضمنی کار ما بوده است؛ ولی سعی شده است که تأمین این هدف ضروری به صیغه آموزشی کتاب وارد نسازد. از این رو متن حاضر در قالب یک اثر تحقیقی عرضه نمی‌شود و نباید همه خصوصیات یک اثر تحقیقی را از آن توقع داشت. پس اگر در مواردی به طور دقیق و جزیی آدرس داده نمی‌شود و از پاورقی‌ها تا حد زیادی کاسته شده و از تکثیر منابع پرهیز گردیده است، همه برای آن است که نمای کلی مباحث بیشتر به چشم آید و فروعات هر بحث طوری زیاد نشود که خواننده مبتدی در پیچ و خم بحث، جایگاه خود را گم کند. اگر ما همین اندازه توفیق پیدا کرده باشیم که در هر بحثی سرنخ‌هایی به دست خواننده داده باشیم و منابعی آسان‌یاب‌تر و نزدیک‌تر

به سطح علمی مخاطب معرفی کرده باشیم، باید خداوند متعال را شکرگزار باشیم. خلاصه آنکه هم بر وجود خصوصیات یک کتاب درسی مراقبت شده است و هم بر آموزش ضمنی تحقیق و ردیابی مطالب، جمع‌آوری اطلاعات و دسته‌بندی و سپس تحلیل و بررسی آنها.

۶. منابع کتاب را به چهار دسته عمده می‌توان تقسیم کرد:

الف) منابع عمومی و اساسی برای همه رشته‌های علوم اسلامی؛ از قبیل قرآن، کتب تفسیر، حدیث و تاریخ اسلام.

ب) منابع خاص برای کار مدخل نگاری فقه از قبیل کتاب‌های فقهی و اصولی و مقدمه‌های نگاشته شده بر آنها و کتاب‌های تراجم و رجال.

ج) منابعی که به عنوان تاریخ تشریح و تاریخ فقه و فقهاء و یا تحت عنوان مدخل علم فقه نگاشته شده و بیشتر متکی به منابع دسته دوم است.

د) پژوهش‌های خاص و متمرکز بر محورهای معین در معرفی برخی از فقهاء، کتاب‌های فقهی، منابع فقهی، مدرسه‌ها و مکتب‌های فقهی، ابواب و مباحث فقه، در قالب مقاله یا کتاب مستقل. در این دسته تمرکز بحث حائز اهمیت است، آن چنان که در دسته سوم جامعیت نسبی مباحث مورد توجه است.

ه) آثار عرضه شده در موضوعات مختلف که پاره‌ای از آنها در بحثی از مباحث کتاب ما می‌تواند قابل استفاده و مورد استناد باشد؛ چه به لحاظ اطلاعات و چه به لحاظ تحلیل‌ها.

نسبت به هر دسته از این منابع، چند گونه شناسایی صورت گرفته است. برخی کتاب‌ها شهرت یافته‌اند و از جهت شهرت اکتسابی باید مورد توجه قرار گیرند و برخی آثار نزد اهل فن به اتقان و استحکام شناخته شده‌اند، با آن که کمتر مشهورند و از این رو باید معرفی شوند و برخی آثار هر دو ویژگی را یافته‌اند و منابع خوبی به شمار می‌آیند. در این میان نباید از مقالات و کتاب‌های پرمایه‌ای که در دو دهه اخیر از سوی پژوهشگران جوان منتشر شده است، به سطحی و سادگی گذشت. و ما در این جا سعی کرده‌ایم که ارتباط خواننده را با این طبقه جدید از دانشمندان حوزه و دانشگاه برقرار سازیم.

۷. درباره شیوه ارجاع، در بسیاری موارد اکتفا به شماره جلد کتاب و شماره صفحه نشده است و در خصوص کتاب‌هایی که چاپ‌های متعدد و متنوع دارد - همچون کتاب‌های درسی و کتاب‌های حدیث و تراجم و رجال - ارجاع براساس عناوین مطالب آن کتاب بوده است. رواج این شیوه فنی در ارجاعات، که از سابق در حوزه‌های علمی ما معمول بوده است، راه مراجعه به منابع را آسانتر می‌سازد.

۸. آشنایی با فقه اهل سنت و طرز تفکر رجال معاصر آنها ضرورتی ملموس و انکارناپذیر است. بی‌شک فراهم آوردن ذهنیت صحیح از معتقدات هر یک از مذاهب اسلامی برای صاحبان دیگر

مذاهب، خدمتی در راه تقریب میان مذاهب است. برای ما در این جا هم تبیین باورها و معتقدات مذاهب اسلامی مهم بوده است و هم بررسی مقتضای ادله و اصولی که هر یک از مذاهب بدان پایبند شده‌اند.

۹. ابتکار و نوآوری وصفی است که هر اثر جدید را به واقع جدید و دست نیاز را به سوی آن دراز می‌کند. قضاوت درباره آن که ما تا چه حد موفق در نوآوری بوده‌ایم، به عهده اساتید فن و خوانندگان است، ولی می‌توانیم بگوییم که در این زمینه تلاش خود را کرده‌ایم.

در ارائه گزارش‌ها و جستجو از اقوال و آراء، در جمع‌بندی و تحلیل و استنتاج، در هندسه و ساختار کلان، در ترتیب و تنظیم مطالب، در تقسیم و مرزبندی بحث‌ها، در کشف برخی خطاها و خلاصه در تبیین باید‌ها و نبایدها، همه جا تلاش شده که متناسب با سطح علمی کتاب جذابیتی به لحاظ تازگی و پاکیزگی مطالب پدید آوریم. از این رو خواننده را به فضای مسائل جدید مطرح شده در اطراف علم فقه، وارد کرده‌ایم و در عین حال طرح دقیق مباحث سنتی و ریشه‌دار را فرو نگذاشته‌ایم، تا گذشته و حال با هم پیوند خورده، راهی هموار برای پیمودن در آینده نمایان شود.

۱۰. در هر رشته علمی تکمیل و ترمیم آثار پیشتر عرضه شده و معرفی امتیازات و ابتکارات آنها، راهی معمول برای پیشبرد علوم و فنون بوده است. پس باید از زحمات همه کسانی که در معرفی تاریخ و تطور فقه، ابواب و تقسیمات، منابع و مکاتب و دیگر عرصه‌های فقه‌شناسی آثاری گرانمایه ارائه داده‌اند، تقدیر و تشکر کرد؛ و به خصوص باید از استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری یاد کرد که با تألیف کتاب آشنایی با علوم اسلامی، پایه‌گذار تدوین متون درسی برای ورود به علوم اسلامی بوده است. ما تلاش کرده‌ایم در فراهم آوردن این اثر، از آثار موجود به قدر مناسب بهره گیریم و هر امتیازی را به صاحب امتیاز بدهیم.

در پایان برخود لازم می‌دانیم از حجت الاسلام و المسلمین رضا مختاری نخستین مدیر دفتر تألیف و نشر متون درسی حوزه که در راه‌اندازی این کار سهم اساسی داشت و نیز از حجت‌الاسلام و المسلمین جواد رفیعی مدیر کنونی دفتر برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی حوزه، کمال تقدیر و تشکر را داشته باشیم؛ چرا که هر دو عزیز در به فرجام رسیدن این اثر از هیچ مساعدتی دریغ نورزیدند.

والحمد لله رب العالمین

رضا اسلامی

فروردین ۸۴